

چالش ازدواج دهه شصتی‌ها در گفت‌وگو با کارشناس مسائل زنان و خانواده

دهه شصتی‌ها از چرخه از دواج خارج نشده‌اند



در شرایطی کم‌کم کارت دعوت عروسی دهه هشتادایی‌های اقوام و آشناپان به‌دستمان می‌رسد و برای مراسم عروسی‌شان دعوت می‌شویم که هنوز تعداد قابل توجهی از دختران و پسران دهه شصتی مجرد مانده‌اند! افرادی که اگر در سنین مناسب ازدواج کرده بودند شاید حالا باید در تدارک ازدواج فرزندان خود می‌بودند اما پارهای از مؤلفه‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی دست به‌دست هم داد تا مسئله ازدواج به‌عنوان عادی‌ترین امری که در طول حیات بشر اتفاق افتاده و می‌افتد برای دهه شصتی‌ها و تا حدودی دهه پنجاهی‌ها به چالش تبدیل شود و خیل عظیمی از متولدین این دهه نتوانند خودشان را به قافله ازدواج برسانند. حالا دهه شصتی‌ها در حالی کم‌کم وارد سنین میان‌سالی می‌شوند که حاکمیت، دستگاه‌های فرهنگی و همچنین کلیت جامعه اصلا حواسش به این گروه سنی، چالش‌های امروز آنها و مسائل و مشکلاتی که در آینده ممکن است پیش‌پایشان قرار گیرد نیست. فقط وقتی صحبت به ازدواج دهه شصتی‌ها می‌رسد آمار و ارقامی

خانم دکتر شادمانی‌امروز با چالش تجرد گروه قابل ملاحظه‌ای از متولدین دهه ۶۰ مواجهیم که این مسئله دراره دختران دهه شصتی جدی‌تر است و حتی مباحثی همچون تجرد قطعی بخشی از این گروه مطرح می‌شود. سؤال این است آیا ما می‌توانیم برای ازدواج افراد شرط سنی بگذاریم و با طرح تجرد قطعی گروهی را از حق ازدواج منع کنیم؟

مسئله مهمی که در خصوص ازدواج با آن مواجهیم این است که ازدواج دختران دهه ۶۰ مغفول واقع شده است. در این باره متأسفانه من شاهد هستم که در جمع دوستان نخبه در عوض تبادل آرا و ارائه راهکار پیرامون ازدواج دختران دهه ۶۰ برای خالی‌کردن بار مسئولیت از دوش خودشان به‌عنوان فعالان اجتماعی از واژه «تجرد قطعی» سخن می‌گویند و البته متأسفانه برای همین تجرد قطعی هم هیچ راهکاری برای ازدواج یا مواردی که بتواند زندگی این افراد را تسهیل کند بیان نمی‌شود؛ اینکه ببینیم واقعاً نهادهای حاکمیتی، حلقه‌های میانی و همچنین خانواده چه وظایفی را در قبال این افراد دارند.

ایتنقلید شما از دلایل تجرد این گروه سنی چیست؟

بعد از سال‌های جنگ، روند نوسازی و توسعه

ایران باعث شد تا ما با تغییر ارزش‌های اجتماعی و حضور اجتماعی متفاوت دختران در دو ساحت علمی و اقتصادی مواجه باشیم. تلاش برای رسیدن به موقعیت بالای تحصیلی و کاری سبب شد تا توقعات دختران و پسران برای ازدواج بالا برود. بنابراین می‌شود بگوییم که تحولات اجتماعی و اقتصادی سبب تغییر در الگوی ازدواج و زنانویی در میان دختران جوان شد. متأسفانه مشکلات



»

متأسفانه من شاهد هستم که در جمع دوستان نخبه در عوض تبادل آرا و ارائه راهکار پیرامون ازدواج دختران دهه ۶۰، برای خالی کردن بار مسئولیت از دوش خودشان به‌عنوان فعالان اجتماعی از واژه «تجرد قطعی» سخن می‌گویند و البته برای همین تجرد قطعی هم هیچ راهکاری بیان نمی‌شود

این در حالی است که هر کس در هر سنی حق ازدواج دارد و ما موارد متعدد از افرادی داریم که در سنین بالاتر ازدواج کرده‌اند، زندگی خوبی دارند و حتی صاحب فرزند هم شده‌اند. شمار ریشه‌های چنین نگاهی را در چه می‌دانید؟

با توجه به اینکه من حدود ۱۰ سالی است به‌عنوان معرف ازدواج فعالیت دارم قطعاً مسئله اصلی ازدواج را فقر فرهنگی می‌دانم تا اینکه بخوام بگویم نقص این حوزه علل اقتصادی است. برای پسران ما از قدرت پیشرفت پزشکی و قدرت باروری زنان در سنین بالای ۴۰ سال گفته نشده یا نخواسته‌اند این را قبول کنند. در گذشته شاید ما شاهد مرگ و میر یا معلولیت در باروری‌های بالای ۲۰ سال بودیم اما امروز با پیشرفت‌های پزشکی به لطف خدا این مشکل حل شده است. ولی چرا باید پسران دهه پنجاهی ما در خواست ازدواج با دختران دهه ۷۰ را داشته باشند؟ چرا رسانه‌ها و نهادهای تربیتی آموزشی ما در خصوص مشکلاتی که این اختلاف سنی ایجاد می‌کند و این تفاوت دیدگاه‌هایی که وجود دارد صحبت نکرده‌اند؟

یکی از علل افزایش طلاق همین مشکلات و تفاوت‌های سنی است. تفاوت در دیدگاه و رویکرد به زندگی و هدف از ازدواج که در دو طرف با فاصله

سنی زیاد وجود دارد. قطعاً دنیای یک پسر دهه ۵۰، توقعات، انتظارات و آرزوهایش با یک دختر دهه هفتادی متفاوت است. اما چون این مسائل را نگفته‌ایم پسر دهه پنجاهی ما وقتی می‌خواهد ازدواج کند به دنبال دختر دهه هفتادی است! ازدواج‌هایی که خیلی‌هایش به طلاق منتهی می‌شود.

ما فقط دختران مجرد دهه شصتی را در تهران و شهرهای بزرگ نداریم و این دختران در شهرستان‌ها هم با چالش‌های جدی‌حسی در حوزه‌های اقتصادی و معیشتی مواجهند و بسیاری از آنها شغل مناسب و درآمد مستقلی ندارند. برای این گروه چه باید کرد؟

دقیقاً همین طور است. مسئله دیگر توجه نداشتن حاکمیت به مسائل و مشکلات اقتصادی دختران دهه ۶۰ است. ما تا چند سال دیگر با یک بحران فراگیر در خصوص مشکلات بیکاری و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن در این گروه سنی مواجه می‌شویم. یک درصد از این دختران شاغل هستند اما بقیه از نظر اقتصادی به‌خواده وابسته‌اند، اما خانواده تا چه زمانی می‌تواند اینها را تحت پوشش

اقتصادی خود قرار دهد؟ مسئله دیگر آسیب روحی و روانی این دختران است که احساس تنهایی می‌کنند و یک مسئله هم مشکلات اقتصادی است که قطعاً باید از طریق ایجاد کار و حمایت از مشاغل خانگی یا حتی بیمه آنها راحل کرد. طبق سرشماری سال ۹۵، ۴۹ درصد از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند و یک چهارم حدود ۱۰ میلیون نفر دختران مجرد هستند. به هر حال این دختران خواسته یا ناخواسته بر اساس شرایط اجتماعی و فرهنگی مجرد مانده‌اند و باید در ابعاد مختلف وارد کار شوند. این مسئله فقط در ابعاد حاکمیتی نیست که ما تنها از نهادهای حاکمیتی، دولت یا قوای دیگر انتظار داشته باشیم بلکه من نقش حلقه‌های میانی یعنی جامعه‌نخبگان و همچنین مؤسسات مردم نهاد مدنی را به‌عنوان بازوهای اصلی حاکمیتی بسیار تأثیرگذار می‌دانم که می‌توانند برای فرهنگ‌سازی ازدواج دختران دهه ۶۰ کارهای خوبی انجام دهند. یعنی هم می‌توانند در کلاس‌های آموزشی کارگاه‌های مختلفی که برای پسران جوان و دختران جوان ارائه می‌دهند مؤثر باشند و هم از طریق تشکیل خیریه‌های مختلف، مشکلات اقتصادی این دختران را رفع کنند.

آمارهای متعددی از تجرد دهه شصتی‌ها ارائه می‌شود. سؤال اصلی اینجاست آیا ما باید این گروه سنی را به حال خود رها کنیم یا باید زمینه‌هایی را برای ازدواج و تشکیل خانواده آنها فراهم کنیم تا آسیب‌های فردی و همچنین آسیب‌های اجتماعی تجرد این گروه بیه حد اقل برسد؟

به نظر من ما باید از طریق فرهنگ‌سازی در ابعاد مختلف در جهت ورود دوباره دختران دهه ۶۰ به چرخه ازدواج اقدام کنیم. اینکه بخواهیم با یک برچسب تجرد قطعی آنها را از چرخه ازدواج خارج کنیم، حرکت نادرستی است. از طرف دیگر مسئله فرهنگ‌سازی باید به این مسئله هم توجه شود که به دختران مجرد هم آموزش دهیم که ازدواج مسئله مهمی است اما زندگی بالاتر از ازدواج است. در یکی از مواردی که یکی از دوستان مشاور من داشتند دختر خانمی بود که دوبار ازدواج ناموفق داشت و به این دلیل شرایط روحی‌اش به شدت به هم ریخته بود چون می‌گفت من دیگر نمی‌توانم ازدواج کنم. با این فرد در جلسات مختلف صحبت شد و دیدش را نسبت به زندگی تغییر دادند. اگر ازدواج نشده، راه‌های دیگری هم برای یک زندگی خوب و موفق وجود دارد. این خانم در حال حاضر تبدیل به یک دختر موفق در جامعه شده است. بنابراین باید این مسئله را به دخترانمان آموزش دهیم اینکه سعی کنند در زندگی اهداف دیگری هم داشته و در آن عرصه‌ها هم موفق باشند و اجازه ندهند تنهایی سرازشان بیاید. جمع‌های دوستانه سالم داشته باشند و با حضور در مجامع علمی، آموزشی و هنری مفید و مؤثر باشند. قطعاً این روندها می‌توانند روحیه دختران ما را تغییر دهند. متأسفانه به‌رغم اینکه ما ادعای مدرن‌سازی داریم اما فرهنگ سنتی غالب، سن خاصی را برای ازدواج دختران ما قرار داده است بدون اینکه به پیشرفت‌های پزشکی توجه داشته باشد. در حال حاضر دانش پزشکی اجازه داده است دختران حتی در سنین بالا هم بارداری داشته باشد. بنابراین باید همگی در جهت تغییر این فرهنگ الگوهای اشتباهی که در زمینه ازدواج وجود دارد تلاش کنیم. من حتماً نقش جامعه‌نخبگانی، حلقه‌های میانی و مؤسسات مردم‌نهاد را در تغییر این الگوسازی ازدواج مؤثر و مفید می‌دانم.

پاسخ به شبهه تشابه یا تساوی حقوق زن و مرد



■ تساوی یا تشابه؟

اصلی که در این استدلال به کار رفته این است که لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت و شرافت انسانی، یکسانی و تشابه آنها در حقوق است. مطلبی هم که از نظر فلسفی باید انگشت روی آن گذاشت این است که لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت انسانی چیست؟ آیا لازمه‌اش این است که حقوق مساوی یکدیگر داشته باشند به طوری که ترجیح و امتیاز حقوقی در کار نباشد؟ یا لازمه‌اش این است

» ویتترین



نگاهی به سبک زندگی حضرت علی (ع) و حضرت زهرا(س)

لهله فرشته‌ها

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین هدایت آن به جایگاه واقعی‌اش، همواره سبب اصلاح جامعه بشری و غفلت از آن موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه نابودی بوده است. متأسفانه به دلیل تهاجمات فرهنگی ونفوذ فرهنگ غربی، بنیاد خانواده در ایران باخطرهای جدی مواجه شده است و هر روز شاهد گسترش روزافزون آسیب‌های جدیدی در حوزه خانواده هستیم. با بررسی مشکلات و آسیب‌ها بین خانواده‌ها می‌توان دو عامل را از دلایل اصلی اختلافات و ازهم پاشیدگی خانواده‌ها دانست.

آموزه‌های اسلام، امیرالمؤمنین(ع) و حضرت زهر(س) را به‌عنوان خوشبخت‌ترین زوج عالم معرفی می‌کند. اگر چه زندگی با برکت و نورانی این بزرگواران با فتنه‌های دوران دوام نداشت و بیش از ۹ سال طول نکشید ولی نکات و راهکارهای فراوانی برای خوب زندگی کردن از این زوج خوشبخت به‌ما رسیده است. در کتاب «لهله فرشته‌ها» ابتدا به معرفی سبک زندگی حضرت علی(ع) و حضرت زهر(س) در بین داستان زندگی یک زوج امروزی به نام شیرین و فرهاد و الگوگیری آنها از آن زندگی نورانی پرداخته و در ادامه مؤلفه‌ها و تکنیک‌های خوشبختی زندگی حضرت علی(ع) و حضرت زهر(س) با رویکرد روانشناختی و دینی بیان شده است.

شیرین و فرهاد نیز جزو همان نام‌هایی هستند که هم‌رسم عنوان افسانه‌ای خود زندگی نمی‌کنند، بلکه دو واقعیت هستند که می‌خواهند به رؤیا جلوه ببیاری بدهند. گونه‌نمی‌کنند، ولی از هم لیل نمی‌کنند. تیشه به‌دست نمی‌گیرند، ولی از میدان عشق و عمل نیز پا پس نمی‌کشند. زندگی می‌کنند و زندگی به هم می‌بخشند. بندگی می‌کنند و بندگی به هم می‌آموزند تا قار را فراری یکدیگر باشند. گفتم قرار، به‌یاد فرامدار ادامه داستان خواستگاری افتادم!

سهر. دو خانواده همدیگر را پسندیدند و شیرینی شیرین خلم و آقا فرهاد را به هم تعارف کردند. قرار بر این شد که عقد مختصری بگیرند و چند ماه بعد، در دلیل ارات فرهاد به حضرت زهر(س) و امیرمؤمنان(ع) و تأسی از زندگی این دو بزرگوار، شب‌سازگرد ازدواج امام علی(ع) و حضرت زهر(س) عروسی برگزار شود. البته باید ببینیم که این ارادت در حد حرف است یا عمل!

» حقوق‌زنان

ارث زن بدون فرزند به چه کسانی می‌رسد؟

یکی از سؤالاتی که ممکن است برای افراد مطرح شود این است که ارث زن بدون فرزند به چه کسانی می‌رسد و چه افرادی وارث او محسوب می‌شوند.
در صورتی که زنی فوت نموده و فرزندی نداشته باشد و تنها وارث او شوهرش باشند، مرد تمام ارث را می‌برد.
ماده ۹۴۹ قانون مدنی در این خصوص بیان می‌دارد:
«در صورت نبودن هیچ وارث دیگر غیر از زوج، شوهر تمام تر که زن متوفات خود را می‌برد.»
کنته قابل توجه این است که مرد در صورتی تمام ارث را خواهد برد که زن هیچ‌گونه فرزندی نداشته باشد و در این میان، تفاوتی میان فرزند مشترک یا فرزند همسر سابق زن وجود ندارد.

به موجب ماده ۸۶۲ قانون مدنی، وراث متوفی، به سه طبقه تقسیم‌بندی می‌شوند که طبقه اول شامل پدر، مادر، فرزندان و نوه‌های متوفی است. در این طبقه پدر و مادر و فرزندان متوفی در درجه اول و نوه‌های او در درجه دوم قرار می‌گیرند. طبقه دوم ورثه شامل اجداد، برادر، خواهر و اولاد آنها هستند که اجداد، برادر و خواهر در درجه اول و فرزندان آنها در درجه دوم قرار می‌گیرند.

طبقه سوم و آخرین طبقه نیز به عمو، عمه، خاله و دایی و فرزندان آنها اختصاص دارد که در این طبقه بندی نیز عمو، عمه، خاله و دایی در درجه اول و اولاد آنها در درجه دوم هستند. بنا بر ماده ۸۶۴ قانون مدنی، زوج و زوجه به واسطه فوت دیگری از هم ارث می‌برند. توجه به این نکته ضروری است که زن و شوهر، تنها در صورتی که از دواج آنها دائم باشد در ارث یکدیگر شریک می‌شوند. ماده ۹۴۰ قانون مدنی در این خصوص بیان می‌دارد: «زوجین که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث می‌برند.»

بر اساس ماده ۸۶۳ قانون مدنی در رابطه با طبقات و درجات ارث، وارثان طبقه بعد وقستی ارث می‌برند که از وارثان طبقه قبل، هیچ کسکی وجود نداشته باشد. بنابراین طبق طبقات و درجات ذکر شده در قسمت فوق، اگر زنی فوت نماید و فرزندی نداشته باشد، در درجه اول والدین و شوهر او، وارث محسوب می‌شوند.

در صورتی که افراد طبقه اول موجود نباشند یا پیش از زن، فوت نموده باشند، نوبت به افراد طبقه دوم ارث می‌رسد و به همین ترتیب تا طبقه سوم.